

کارگران جهان متحد شوید!



اساس سوسیالیسم
انسان است.

سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

انترناسیونال

هفتگی

بنیانگذار: منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-870 120 7768

۱۹۶

۱۰ بهمن ۱۳۸۲

۳۰ ژانویه ۲۰۰۴

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465

Fax: 0044-870-135-1338

markazi@ukonline.co.uk

کشتار خاتون آباد:

انعکاسی از استیصال

حکومت اسلامی

فاتح بهرامی

به گلوله بستن اجتماع کارگران ذوب مس خاتون آباد و به رگبار بستن تظاهرات کارگران و مردم شهر بابک توسط حکومت اسلامی قبل از هر چیز اعلام رسمی و علنی ضدیت رژیم با طبقه کارگر و در عین حال نشانه وحشت و استیصالش در مقابل سیر حرکت کارگران است. ماهیت ضد کارگری و ضد انسانی این حکومت و ظرفیت و اشتیهای بی پایان آن برای استعمار کارگران و زیر پا نهادن ابتدائی ترین حق آنان و سرکوب مبارزه کارگری، بر هیچ کارگری در ایران پوشیده نیست. از این نظر این اتفاق جدیدی در برخورد رژیم به کارگران و مردم معترض نیست، اولین بار نیست که جمهوری اسلامی به کارگرانی که خواهان احقاق حقوقشان هستند شلیک میکند. آنچه ارتکاب این جنایت حکومت اسلامی را از گذشته متمایز میکند مربوط است به وضعیت سیاسی ایران، موقعیت وخیم حکومت در مقابل کارگران و مردم، لبریز شدن کاسه صبر کارگران و نشانه های تحرك جنی تر آنان برای رویارویی با حکومت است. قصد رژیم برای ارتکاب این جنایت، ارباب طبقه کارگر و جنبش انقلابی برای سرنگونی رژیم، و نقشه ای برای متوقف کردن سیل اعتراضات و اعتصابات قدرتمند است که به جریان افتادن آنرا بو کشیده است. اما در همین چند روز اولی که از یورش نظامی حکومت به کارگران میگردد، شکست قطعی این سیاست آشکار شده است. برعکس آنچه هدف این تهاجم است، فاز جدیدی از مقاومت و مبارزه کارگران و مردم و اشکال جدیدی از تحرك و اعتراض علیه جمهوری اسلامی را میتوان مشاهده کرد.

پیام رژیم، جواب کارگران

رژیم اسلامی روی یک بشکه باروت در حال انفجار نشسته است. نفرت عظیم دهها میلیونی مردم را رژیم بخوبی حس میکند. شب جنبش انقلابی را بر بالای سرش هر روز و هر لحظه حس میکند که نه میتواند کنترلش کند و نه امکان سرکوبش را دارد و نه امکان جان سالم بدر

صفحه ۸

مردم خاتون آباد و شهر بابک:

اعتقاد راسخ داریم که خون جوانانی که به ناحق بر زمین ریخته شد ریشه ظلم و فساد ضحاکان زمان را بر خواهد انداخت.

شلیک رژیم اسلامی به تجمع

کارگران خاتون آباد و شهر بابک

اعتصاب عمومی در شهر بابک

اعتراضات کارگران ایران خودرو، سنگ آهن

بافق و خبازان سقز به جنایت رژیم

تظاهراتی اعتراضی در خارج کشور

صفحات ۲ و ۳ و ۷



پیام به کارگران ذوب مس و مردم خاتون آباد و شهر بابک کرمان

حکومت اسلامی اعتراض حق و مفتخور و آدمکش حکومت طلبانه شما در خاتون آباد و شهر بابک کرمان را به خاک و خون کشید. به دستور سران دزد حکومت اسلامی، اعتراض ساده شما به بیکاری و فقر و محرومیت با سلاح گرم اوباش حکومت پاسخ گرفت. حزب کمونیست کارگری به شما و بویژه خانواده صفحه ۲

کمونیسم کارگری در عراق:

سناریوی سیاه و مساله قدرت سیاسی

صفحه ۴

حمید تقوائی

جامعه محتاج یک لایروبی عظیم

ضد مذهبی و ضد اسلامی است

صفحه ۶

مصاحبه با علی جوادی

اعتصاب معلمان شیراز ۱۸۸ مدرسه را به تعطیل کشاند

صفحه ۷

آزادی برابری حکومت کارگری!

رژیم اسلامی اجتماع کارگران ذوب مس کرمان را به گلوله بست!

چهار نفر کشته و دهها نفر زخمی شدند

پیام به کارگران ذوب مس و مردم خاتون آباد و شهر بابک کرمان

ها و دوستان مهدوی، مومنی، جاویدی و ریاحی که در این سرکوب خونین جان باختند، صمیمانه تسلیت میگویم و با تمام قوا خود را در مبارزه شما شریک میدانم و از خواستهای بحق شما پشتیبانی میکنم.

همه قاتلین عزیزان شما را می شناسند. قاتلین عزیزان شما، همان قاتلین مردم بم اند. مسببین وضعیت پرمشقت شما، همانها هستند که زندگی فقیرانه و خانه های کاه گلی را به مردم بم تحمیل کردند و با وقوع زلزله هم کاری برای نجات جان بازماندگان نکردند. قاتلین کارگران در مجلس و دولت و بیت امام نشستند و با بخون کشیدن اعتراض حق طلبانه شما کيفرخواست خود را سنگین تر کردند. آمرین و عاملین این سرکوب خونین باید معرفی و مجازات شوند.

حزب کمونیست کارگری کارگران، جوانان، دانشجویان، معلمان و همه مردم معترض و آزادیخواه را به اعتراض قدرتمند و متحدانه در مقابل این جنایت بزرگ فرامیخواند. حزب سازمانهای کارگری و احزاب سیاسی در سراسر جهان را به همبستگی با کارگران ذوب مس خاتون آباد و محکومیت جمهوری اسلامی فرامیخواند. خواست معرفی و محاکمه عاملین

مشتنج است و حکومت اسلامی تلاش میکند با حکومت نظامی از اعتراض مجدد مردم جلوگیری کند. جمهوری اسلامی از بم تا خاتون آباد و هر گوشه دیگر ایران، قاتل کارگران و مردم محروم است و باید به نیروی کارگران و مردم آزادیخواه سرنگون شود. کارگران مجتمع مس سرچشمه و ذوب مس خاتون آباد باید با اعتصاب متحدانه از رفقای اخراجی شان دفاع کنند و خواهان دستگیری و محاکمه فوری قاتلین کارگران شوند. شلیک به کارگران و مردم محروم خاتون آباد باید پاسخی محکم بگیرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۴ بهمن ۱۳۸۲ - ۲۴ ژانویه ۲۰۰۴

کارگران و مردم شهر بابک دست به اعتصاب عمومی زدند

جمعی از کارگران ایران خودرو با کارگران ذوب مس اعلام همبستگی کردند

دهها هزار مردم بم هستند! اینان قاتل کارگران ایران خودرو هستند. جمهوری اسلامی باید تاوان این کشتار و جنایت را بدهد! با کارگران ذوب مس خاتون آباد و مردم شهر بابک بهر شکل ممکن اعلام همبستگی کنید. همچون کارگران ایران خودرو اعلامیه بدهید، قطعنامه بدهید، در مجامع عمومی خود اعلام کنید، بر درو دیوار بنویسید که کشتار کارگران در خاتون آباد محکوم است. خواهان معرفی و محاکمه فوری قاتلین کارگران در دادگاههای علنی شوید! خواهان آزادی فوری همه دستگیر شدگان شوید! خواهان برچیدن فوری حکومت نظامی در منطقه شهر بابک شوید. باید کاری کرد که حکومت کثیف اسلامی و همه تفنگچیهای مزدور در برابر اعتراضات سراسری ما به لرزه مرگ بیفتند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۷ بهمن ماه ۱۳۸۲

۲۷ ژانویه ۲۰۰۴

کارگران و مردم گرسنه، دامنه این اعتراضات گسترده تر و به شهر بابک کشیده شد. درگیری مردم و نیروهای دولتی در شهر بابک وسیع گزارش شده و در جریان این درگیریها نیروهای سرکوبگر رژیم اسلامی، از جمله در میدان سعیدی شهر بابک و مقابل فرمانداری به طرف مردم آتش گشودند. مردم به مراکز دولتی و از جمله فرمانداری و بانکها حمله کردند و علیه سران رژیم اسلامی و سرمایه داران مفتخور شعار میدادند. گزارشات از کشته شدن چهار نفر به نامهای مهدوی، مومنی، جاویدی، ریاحی، و زخمی شدن دهها نفر سخن میگویند. فضای خاتون آباد و شهر بابک

از روز دوشنبه، صدها نفر از کارگران بیکار شده مجتمع ذوب مس خاتون آباد کرمان همراه با خانواده هایشان، دست به اجتماع و تحصن زدند و جاده منتهی به این مجتمع را مسدود کردند. صبح روز جمعه سوم بهمن، نیروهای حکومتی و از جمله نیروی یگان ویژه شهر بابک به کارگران و مردم متحصن خاتون آباد حمله ور شدند و دهها نفر را بشدت مضروب کردند. با گسترش این درگیریها، نیروهای یگان ویژه اقدام به تیراندازی به سوی مردم کردند که در نتیجه آن یک نفر کشته و چندین نفر زخمی شدند.

بدنبال حمله وحشیانه نیروهای سرکوبگر رژیم به اعتراض برحق

کشتار وحشیانه کارگران معترض معدن ذوب مس کرمان خشم همه کارگران و مردم را برانگیخته است. بنا به گزارشها روز یکشنبه و دوشنبه و امروز مدارس و ادارات و مغازه ها در شهر بابک و خاتون آباد تعطیل بود. فضای اعتراض و انزجار و خشم علیه جمهوری اسلامی تمام منطقه را فرا گرفته است. مردم بسیاری در برابر منازل کارگران جان باخته گرد آمده و با بازماندگان آنها ابراز همبستگی میکنند. تعداد زیادی از کارگران و مردم در برابر منازل جان باختگان تحصن کرده اند. خشم مردم بویژه متوجه فرماندار جنایتکار این شهر است که بعنوان رئیس شورای امنیت شهر بابک گفته میشود فرمان حمله به کارگران معترض را صادر کرده است. تعداد زیادی از کارگران که زخمی شده اند در بیمارستان ها هستند و حال دو تن از آنها بشدت وخیم است. جمهوری اسلامی شمار کشته شدگان را چهار تن اعلام کرده است اما گزارشهای مختلف تعداد کشته شدگان را بیشتر از این اعلام

اصغر کریمی در پیام دیگری به سازمانهای کارگری و احزاب و سازمانهای سوسیالیست و مدافع حقوق انسان، ضمن توضیح یورش حکومت اسلامی به کارگران خاتون آباد و توضیح شرایط و وضعیت زندگی و کار کارگران ایران، این سازمانها را به عکس العمل فراخوانده و از آنان خواست است:

۱- جمهوری اسلامی را بخاطر سرکوب و به گلوله بستن تجمع کارگران ذوب مس خاتون آباد محکوم کنید و همراه با کارگران و مردم ایران خواهان معرفی و محاکمه علنی قاتلین کارگران شوید.

۲- از خواستهای کارگران در ایران از جمله توقف بیکارسازی، بیمه بیکاری، آزادی بیان و تشکل و اعتصاب حمایت کنید و مشخصا کارگران ذوب مس خاتون آباد، کارگران پتروشیمی و ایران خودرو را مورد پشتیبانی قرار دهید.

۳- صدای اعتراض کارگران ایران را در سطح بین المللی منعکس کنید و از سازمانهای کارگری بین المللی بخواهید که برای بررسی این جنایت و شرایط کارگران در ایران هیئتی به ایران گسیل کنند. مشخصا رویدادهای خاتون آباد، ایران خودرو، و پتروشیمی باید دقیقا تحت بررسی قرار گیرد.

۴- از شما تقاضا میکنیم سایر سازمانهای کارگری را نیز به پشتیبانی از کارگران ایران تشویق کنید و به دولتهای غربی فشار بیاورید که جمهوری اسلامی را در مجامع بین المللی بخاطر سرکوب کارگران و مردم مورد بازخواست قرار دهند.

اصغر کریمی

رئیس هیئت دبیران

حزب کمونیست کارگری ایران

۶ بهمن ماه ۱۳۸۲

کارگران ایران خودرو کشتار کارگران خاتون آباد را محکوم کردند

درخواست کمک مردم شهربابک خاتون آباد از مردم ایران وسازمانهای مدافع حقوق بشر

همکاران گرامی
و کارگران زحمتکش

حامیان سرمایه داران کارگران را به گلوله بستند. روز جمعه در ماه بهمن در ماه خون و قیام حامیان سرمایه کارگران بی دفاع خاتون آباد شهر بابک را که چیزی غیر از کار و

امنیت شغلی نمی خواستند را وحشیانه آماج گلوله های خود قرار داده و تعدادی از کارگران زحمتکش را کشته و عده ای زیادی از مردم را به خاک و خون کشیدند ما کارگران ایران خودرو ضمن محکوم کردن حمله وحشیانه به کارگران از خواسته های به حق کارگران مس خاتون آباد

پشتیبانی کرده و از تمام سازمانهای حقوق بشر بخصوص سازمانهای کارگری می خواهیم که ضمن محکومیت کشتار کارگران بی دفاع به هر طریقی ممکن به یاری آنان بشتابند.

**جمعی از کارگران
شرکت ایران خودرو**

کارگران سنگ آهن بافق و خبازان سقز کشتار کارگران خاتون آباد را محکوم کردند

جمعی از کارگران شرکت معادن سنگ آهن مرکزی بافق طی نامه ای سرگشاده حمایت خود را از کارگران معدن ذوب مس خاتون آباد اعلام کردند و اعتراض خود را به حمله وحشیانه به تجمع اعتراضی کارگران ابراز داشتند. کارگران معادن سنگ آهن بافق در قسمتی از نامه خود اینطور نوشته اند: "ما جمعی از کارکنان شرکت معادن سنگ آهن مرکزی ایران بافق با ابراز همدردی با بازماندگان اعتراضات کارگری شهرستان شهر بابک به اطلاع مردم شریف ایران می رسانیم در راستای غارت ثروت بیت المال و حمایت از سرمایه داران متولیان سازمان توسعه و نوسازی معادن ایران قصد دارند تحت عنوان پروژه خصوصی سازی این شرکت را به نوکران و جیره خواران خود واگذار نمایند و بیش از ۲۰۰۰ کارگر زحمتکش آن را بیکار نمایند که با توجه به مقاومت مردمی و نارضایتی کارگران شرکت انتظار حادثه شهربابک در این شهر نیز امری محتمل است." بنا به یک گزارش دیگر جمعی از کارگران خباز سقز نیز با انتشار اعلامیه ای با کارگران ذوب مس خاتون آباد اعلام

همبستگی کردند. کارگران نانوائی های سقز در قسمتی از این اعلامیه اینطور نوشته اند: "کارگران مجتهد مس خاتون آباد.. تنها به جرم درخواست برای کار از زمین و هوا مورد حمله نیروهای امنیتی قرار میگیرند... ما ضمن تسلیت به بازماندگان این فاجعه دلخراش از کلیه سازمانها و انجمن های کارگری می خواهیم که در برابر این حمله ضد انسانی به صفوف کارگران متحصن سکوت نکنند و صدای اعتراض خود را به گوش مسئولان دولت برسانند. ما پیگیرانه خواستار محاکمه مسببین این جنایت هستیم." یاد آوری کنیم که جمعی از کارگران شرکت ایران خودرو نیز طی نامه ای کشتار کارگران ذوب مس کرمان را محکوم کردند و با کارگران شرکت ذوب مس اعلام همبستگی نمودند. تهاجم مسلحانه روز سوم بهمن ماه به کارگران ذوب مس خاتون آباد یک جنایت گستاخانه از سوی حکومت اسلامی سرمایه داران است که باید از جانب کارگران و مردم پاسخ قاطع بگیرد. این جنایت

را باید وسیعاً محکوم کرد. ما همه کارگران و مردم را فرا میخوانیم که همچون کارگران بافق و خبازان سقز و ایران خودرو این کشتار را یکپارچه محکوم کنند. این یک تعرض جنایتکارانه به حق اعتراض و حقوق ابتدایی کارگران و مردم است. باید جانین حاکم را از کرده خود پیشیمان کرد و نشان داد که کارگران ذوب مس خاتون آباد تنها نیستند. در مجامع عمومی کارگران و تجمعاتی که به همین منظور تشکیل میشود و به هر شکل ممکن باید این جنایت حکومت را قاطعانه و متحذانه مورد اعتراض قرار داد و خواهان معرفی و محاکمه قاتلین کارگران خاتون آباد در دادگاههای علنی شد. دستگیر شدگان روزهای اخیر در شهر بابک و خاتون آباد باید فوراً آزاد شوند. حکومت نظامی در این منطقه باید فوراً برچیده شود. با جنایت خاتون آباد جمهوری اسلامی باید شاهد طنین اعتراض صف متحد کارگران و مردم باشد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۹ ماه ۱۳۸۲
۲۹ ژانویه ۲۰۰۴

هموطنان عزیز، ایرانیان شریف مقیم داخل و خارج از کشور، همانطور که مستحضرید دولت به اصطلاح جمهوری!! اسلامی!!!؟؟؟ به بهانه اعتراض گروهی از کارگران زحمتکش این شهرستان که خواهان احقاق حقوق از دست رفته خویش بودند با اسلحه گرم به مردم بی بنه این شهرستان هجوم برده و عده زیادی از کارگران و جوانان این شهر را به خاک و خون کشیدند و تعداد زیادی از جوانان این شهر را دستگیر و بازداشت نموده اند و با هجومهای وحشیانه خود به خانواده های شهدای این حادثه و نزدیکان آنها

**جمعی از مردم
شهرستان شهر بابک
و اهالی روستای خاتون آباد.**

انجمن مارکس - حکمت لندن شنبه ۷ فوریه ۲۰۰۴ ساعت ۱۱ صبح

حزب و قدرت سیاسی

کمونیسم کارگری و چهار تجربه

انقلاب اکتبر، انقلاب ۵۷ ایران،

تجربه کردستان، تجربه عراق

کورس مدرسی

Address: Acland School
Dartmouth Park Hill Rd, N19
Tube: Tufnell Park
(Northern Line)

لطفا راس ساعت ۱۱ در محل باشید

ورود کودکان زیر ۱۶ سال اکیدا ممنوع است

ورودیه ۵ پوند

برای اطلاع بیشتر با نسرین جلالی تماس بگیرید

Tel: 07708 125 993
http://www.marxsociety.com

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

کمونیسم کارگری در عراق: سناریوی سیاه و مساله قدرت سیاسی

حمید تقوائی



ناشی از قدرت متشکل مردم، هیچک از اینها در عراق بوقوع نپیوسته است.

بنابراین صورت مساله ما کمونیستها در عراق درست معکوس وضعیتی است که معمولاً در شرایط متعارف با آن روبرو هستیم: دولتی وجود ندارد که سرنگون شود و انقلابی وجود ندارد که رهبری و سازماندهی شود. پس چه باید کرد؟ اگر درست است که هدف ما مثل همیشه تصرف قدرت سیاسی است، آنوقت این سؤال مطرح میشود که قدرت را از که و با چه نیرویی باید گرفت؟ استراتژی ما برای تصرف قدرت چیست؟ آیا باید از بالا و با دیپلماسی بقدرت نزدیک شد؟ و یا باید صبر کرد تا شرایط متحول شود و نوبت ما فرا برسد؟ و یا اصولاً باید قدرت سیاسی را فعلاً فراموش کرد و به کمک هر نیرویی شتافت که بالاخره نوعی دولت را میخواد در جامعه مستقر کند؟ روشن است که هیچک از اینها نمیتواند پاسخ ما، پاسخ کمونیسم کارگری به شرایط موجود باشد. استراتژی ما در عراق همانند هر جامعه سرمایه داری دیگری، تصرف قدرت سیاسی است، تنها باید راه بقدرت رسیدن در شرایط ویژه و غیر متعارف سناریوی سیاه را روشن و مشخص کنیم.

شرایط سیاسی در عراق

در عراق تنها این حقوق و آزادیهای مردم نیست که پایمال شده، بلکه این خود زندگی، زندگی متعارف اجتماعی در یک جامعه مدنی، مدنیت به ابتدائی ترین معنای آن نفی و پایمال شده است.

مردم در مقابل این وضعیت احساس استیصال میکنند. این شرایط از بالای سر آنها و خارج از اراده آنها و بدون دخالت آنها اتفاق افتاده است، زندگیشان را در هم کوبیده است و مانند یک سیل و یا زلزله سهمگین احساسی از ناتوانی و استیصال و بی اقبالی را با خود به همراه آورده است. مردم قبل از هر چیز خواهان متعارف شدن زندگی روزمره خود، خواهان حداقلی از

برابر ما قرار میدهد معلوم باشد. هیچ کمونیستی قبل از ما در چنین موقعیتی نبوده است، و هیچ نمونه و الگوی از پیشی و "چه باید کرد" کلاسیکی حتی در کلیات وجود ندارد. ما باید برای اولین بار در تاریخ به مساله "چه باید کرد" نه در قبال انقلاب و شرایط انقلابی، نظیر آنچه در ایران مشغول آنیم، بلکه در برخورد به "سناریوی سیاه" پاسخ بدهیم. مبنای تحلیلی کار و رئوس عمومی عملکرد ما را منصور حکمت روشن کرده است، وظیفه امروز ما استنتاجات عملی مشخص از این مبنای است.

برای رسیدن به این نتایج عملی اجازه بدهید ابتدا از دو نکته، دو مشاهده عمومی از شرایط ویژه امروز عراق شروع کنیم. مشاهده اول آنکه در عراق دولت به معنای متعارف آن وجود ندارد. دولت یعنی را با حمله نظامی حذف کرده اند بی آنکه هیچ نوع دستگاه سیاسی - اداری دیگری جای آن را پر کرده باشد. جامعه با خلاء دولت روبروست. یک نتیجه این خلاء متوقف شدن کارکرد متعارف جامعه و مدنیت است اما یک معنای دیگر آن، یک معنای سیاسی آن که بخصوص برای ما کمونیستها و مردمی که میخواهند از این وضعیت استیصال آمیز فعلی رها شوند اهمیت دارد اینست که هدف مستقیم اعتراض و مبارزه ما از صحنه غایب است. دولتی وجود ندارد که بتوان مسئولش دانست، مبارزه و اعتراضی را علیه اش سازمان داد، و یا علیه اش انقلاب کرد و سرنگونش کرد.

و مشاهده دوم آنکه این غیاب دولت حاصل انقلاب نیست، دولت یعنی را با حمله نظامی حذف کرده اند بی آنکه قدرت و دخالت مستقیم مردم انقلابی و یا هیچ نوع دستگاه سیاسی - اداری منتخ از انقلاب جای آن را پر کرده باشد. انقلابی در کار نبوده است و در نتیجه خصوصیات عمومی یک جامعه انقلابی، خواستها و انتظارات و توقعات رادیکال و ماکسیمالیستی، رواج فرهنگ انقلابی و نظم انقلابی

وضعیت سیاسی و اجتماعی که امروز در عراق شاهد آنیم یک فاجعه انسانی و یک هرج و مرج و از هم گسیختگی کامل اجتماعی است، وضعیت تاریک و ناسامانی که اولین بار منصور حکمت بنام سناریوی سیاه از آن یاد کرد و ویژگی های آن را برشمرد. این وضعیتی است محصول دنیای پس از جنگ سرد و ناشی از سر بر آوردن ارتجاعی ترین و وحشی ترین نیروهای مذهبی و قومی و عشیرتی و ناسیونالیستی در دنیای سرمایه داری بازار آزاد پس از شوروی. بوسنیا اوایل دهه نود یک نمونه بارز سناریوی سیاه بود و امروز عراق، و این بار در نتیجه سیاستها و حمله مستقیم آمریکا و حامیان، به این مصیبت سیاسی دچار شده است. دولت با حمله نظامی و از بالا از جامعه بیرون کشیده شد و تمام مدنیت و زندگی متعارف اجتماعی در همان سطحی که در عراق پیش از جنگ وجود داشت، به یکباره فرو ریخت. از یکسوی آن امنیت و آب و برق و مسکن و ابتدائی ترین خدمات اجتماعی از جامعه رخت بر بسته و از سوی دیگر عقب مانده ترین نیروهای مذهبی و قومی و عشیرتی به جلوی صحنه آمده و ما یک تاز میدان سیاست شده اند. ما از مدتها پیش از حمله آمریکا به عراق این وضعیت را پیش بینی میکردیم و امروز که این وضعیت پیش آمده است باید به آن جواب بدهیم. و این دیگر نمیتواند یک پاسخ تحلیلی و کلی باشد، موضع گیری عمومی و تحلیلی شاید در برخورد به بوسنیا و یا پیش بینی یک سناریوی محتمل پس از فروپاشی جمهوری اسلامی در ایران، کافی بود. اما این بار در عراق جنبش ما، حزب کمونیست کارگری عراق، مستقیماً در صحنه و دخیل در شرایط سیاسی عراق است. باید دقیقاً و قدم بقدم بدانیم چه میکنیم و بکجا میرویم. باید سیاستها و نقشه عمل ما استراتژی و تاکتیک ما در برخورد به مسائل متنوع و تازه و پیچیده ای که سناریو سیاه در

نشاندنده آنست که نظم بورژوازی در عراق به بن بست رسیده است. وضعیت امروز عراق حاصل مستقیم سیاستهای نظم نوین بورژوازی جهانی و در رأس آن دولت آمریکا است. بورژوازی جهانی قادر به سازمان دادن مدنیت در عراق نیست. نه صرفاً بدلیل وضعیت آنارشی و از هم گسیختگی کاملی که امروز شاهد آنیم بلکه طرح و برنامه دراز مدت تر آمریکا سازمان دادن نوعی دولت عشیره ای مذهبی قومی است که هیچ ربطی به مدنیت ندارد. بورژوازی عراقی جز سران عشایر و قبایل و مذاهب آلترناتیو سیاسی دیگری ندارد و بورژوازی جهانی جز اتکا به این نیروهای قرون وسطائی راه چاره دیگری ندارد. بورژوازی بومی و بین المللی تنها با نفی مدنیت و سپردن جامعه بدست نیروهای سیاه مذهبی قومی و عشیرتی میتواند بر عراق حکومت کنند و این در بهترین حالت یعنی تداوم و تثبیت سناریوی سیاه در شکل یک نظام سیاسی اجتماعی. نظامی که جنگ و کشمکش قومی و مذهبی یک جزء ساختاری آن خواهد بود.

در مقابل این وضعیت تنها طبقه کارگر میتواند و باید مبشر تمدن و جامعه انسانی باشد. بورژوازی به چنان انحطاط و قهقرائی در غلطیده که نفس دفاع از زندگی و مبارزه برای بقای مدنیت و جامعه مدنی به امر طبقه کارگر تبدیل شده است. چگونه باید به این وظیفه پاسخ گفت؟ چه باید کرد؟ قصد این نوشته پاسخ تفصیلی به این سؤال نیست. سعی میکنم تنها چند نکته را بر مبنای تحلیل سیاسی فوق روشن کنم.

۱- ما، مردم و

کمپ نیروهای سناریوی سیاه

هدف ما در عراق نیز مانند هر کشور دیگر تصرف قدرت سیاسی است. بورژوازی قادر به استقرار یک دولت سکولار غیر قومی غیر مذهبی در عراق نیست. این امر ما کمونیستها، امر طبقه کارگر عراق است. استراتژی ما برای تصرف قدرت باید بر شرایط ویژه ای که در بالا توضیح داده شد مبتنی باشد. این استراتژی رهبری و سازماندهی انقلاب جاری و یا انقلاب در حال شکل گیری در یک آینده قابل پیش بینی نیست، اما اساس آن همچنان

امنیت و کار و نان و آسایش اند. و آماده اند از هر حزب و نیرویی که قادر به تامین این حداقل ملزومات یک زندگی متعارف باشد حمایت کنند. بعبارت دیگر در عراق امروز نه صرفاً رفاه و آزادی و حقوق مردم، بلکه نفس جامعه مدنی نفی شده و لذا به مهمترین مساله نبرد طبقاتی تبدیل شده است و از سوی دیگر دقیقاً به همین دلیل مساله قدرت سیاسی صرفاً به معنای شکل دادن به دولتی که بتواند سازمان دهنده این جامعه متعارف باشد در برابر جامعه و دو طبقه اصلی گشوده شده است. بعبارت دیگر در سناریوی سیاه نیز مانند انقلابات مساله دولت به محور و مرکز سیاست و کشاکش طبقاتی تبدیل میشود اما به دلایل و بر زمینه های سیاسی و اجتماعی کاملاً متفاوتی. در هر انقلاب حل مسائل پایه ای نظیر دیکتاتوری و اختناق، فقر، بی حقوقی مردم و نابرابری های اجتماعی و غیره به عرصه های اصلی کشاکش طبقات و در نتیجه روبروئی جنبشها و احزاب طبقات مختلف تبدیل میشود. و بر این زمینه مساله قدرت سیاسی و آلترناتیو حکومتی طبقات مختلف جایگاه تعیین کننده ای در سیاست پیدا میکنند. اما در عراق امروز، در شرایطی که نه با انقلاب بلکه با سناریوی سیاه مواجهیم، نفس بقای جامعه مدنی و وجود دولت بعنوان پیش شرط این بقا، به مساله اصلی نبرد طبقاتی تبدیل شده است. مساله اصلی همچنان دولت و قدرت سیاسی است، اما نه باین خاطر که کارگران و اقلشار انقلابی مردم حکومت بورژوائی را چلنج کرده اند و حکومتی را میخواهند که به مسائل اصلی انقلاب، آزادی و برابری و رفاه و غیره پاسخگو باشد، بلکه به این خاطر که بقای اجتماعی خود را در گرو پر شدن خلاء قدرت و خاتمه یافتن به هرج و مرج و ناسامانی ناشی از آن میدانند.

نفس این هرج و مرج اجتماعی

اطلاعیه پایانی نشست دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

نشست دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران در تاریخ ۲۴ ژانویه ۲۰۰۴ (۴ بهمن ۱۳۸۲) با شرکت اکثریت اعضای دفتر سیاسی و حمید تقوایی لیبر حزب برگزار شد. در این جلسه گزارش لیبر حزب، موقعیت حزب بعد از کنگره چهارم، پروژه تلویزیون کانال جدید و وضعیت مالی حزب مورد بحث قرار گرفت. در پایان آذر ماجدی و کورش مدرسی کاندید پست ریاست دفتر سیاسی شدند و کورش مدرسی با اکثریت آرا به ریاست دفتر سیاسی انتخاب گردید.

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

۹ بهمن ۱۳۸۲ - ۲۹ ژانویه ۲۰۰۴

ما از یکسو خواهان و طرفدار استقرار یک حکومت سکولار، غیر مذهبی و غیر قومی در عراق هستیم، و از سوی دیگر خواهان آن هستیم که مردم مستقیماً در دولت آتی نقش داشته باشند. می‌خواهیم حق آنان در تعیین این حکومت و تصمیم‌گیریه‌ها و اقدامات آن برسمیت شناخته شود. و بعنوان پیش شرط روی کار آمدن چنین حکومتی ما خواهان آنیم که آزادیهای سیاسی پایه‌ای نظیر آزادی بیان و مطبوعات و تشکل و اعتصاب و نظایر آن باید در عراق برسمیت شناخته شود. این نیات و خواسته‌های ما مطالبه از دولت نیروی نیست. اهدافیست که حزب باید علناً اعلام کند و دیگر نیروها را برای تن دادن به آنها تحت فشار قرار بدهد. اهدافی است که حزب هر جا و در هر محدوده‌ای که قدرت کنترل و اداره امور را در دست می‌گیرد باید بعنوان قوانین حاکم به اجرا درآورد.

مجموعه این سیاستها و اهداف و اقدامات طرح و سناریوی ما کمونیست‌ها برای تصرف قدرت سیاسی در عراق را ترسیم می‌کند. شاخص ما در پیشروی و موفقیتمان صرفاً این نیست که این سیاست تا چه حد عملی می‌شود، شاخص اصلی آنست که طرح و اتخاذ این سیاست تا چه حد حزب کمونیست کارگری عراق را به یک حزب قوی و ماندگار و غیر قابل صرفنظر کردن در معادله قدرت در صحنه سیاست عراق و خاورمیانه تبدیل می‌کند. هدف ما برقراری سوسیالیسم در عراق است و پاسخ درست ما به سناریوی سپاه ما را در آستانه عراق سوسیالیستی قرار خواهد داد. *

حزب و ایجاد تشکلهای کارگری و توده‌ای در سطح محلات و شهرها و مراکز تولیدی بعنوان حلقه‌های متصل کننده حزب با جامعه تضمین کننده حفظ قدرت و ادامه کاری و بقای حزب بعنوان یک نیروی علنی و مطرح در عرصه سیاست حتی بعد از پایان یافتن دوره فضای باز سیاسی کنونی است.

۵- مساله دولت و قدرت سیاسی در سطح جامعه

مساله قدرت سیاسی البته از اداره محلی امور فراتر می‌رود. خلافت سیاسی در عراق امروز به معنای باز شدن مساله دولت بعنوان ارگان اعمال قدرت سیاسی طبقه حاکمه است. بورژوازی عراق در تلاش است تا متکی به آمریکا و دول غربی و با نمایندگان مذهبی قومی و عشیرتی خود به این مساله جواب بدهد و حزب کمونیست کارگری عراق نیز باید پاسخ روشن و عملی خود را داشته باشد. نقد طرح‌های حکومتی نیروهای دیگر لازم است اما بهیچوجه کافی نیست. ما باید بعنوان یک حزب مدعی قدرت و صاحب طرح و آلت‌ناتیو روشن برای شکل دادن به دولت در جامعه مطرح و شناخته شویم. ابراز وجود ما بعنوان عامل اداره کننده امور مردم در سطح محلی نیز میساید به این امر خدمت کند. جنبه‌های سیاسی فعالیت ما در قبال نیروها و آلت‌ناتیوهای دیگر، در نقد ارتجاع مذهبی و قومی و ناسیونالیستی و نظم نوین جهانی و سیاستها و عملکرد آمریکا و دولتهای غرب و غیره همه اینها در نهایت باید در خدمت اشاعه و مقبولیت یافتن آلت‌ناتیو حکومتی ما قرار بگیرد.

برای مساله پاسخ عملی داشته باشد. خلافت را باید عملاً در هر سطح ممکن، در سطح یک محله و یا شهر و یا منطقه پر کرد و بعنوان دولت ظاهر شد. باید از زندگی مردم در برابر توحش نیروهای قومی مذهبی ناسیونالیستی حراست کرد و دست آنها را در هر سطحی که ممکن است از زندگی مردم کوتاه کرد. در این میان نقش خود مردم حیاتی است. ما باید بتوانیم توده مردم را در حزب و در انواع تشکلهای توده‌ای برای اداره و کنترل محلات و برای دفاع از زندگی در برابر نیروهای کمپ سناریوی سپاه سازمان بدهیم و بسیج کنیم. این تنها راه غلبه بر احساس استیصال و ناتوانی در سطح جامعه است. تنها با سازمان یافتن و دخیل شدن در حل مساله است که توده مردم بر احساس یاس و استیصال فائق می‌آیند و برای تحقق خواست خود بسیج میشوند و حرکت میکنند. نقش حزب در این میان حیاتی است. قدرت حزب به مردم امید و اعتماد میدهد، و در همانحال قدرت حزب قدرت مردمی است که نقش حزب را در سامان دادن به زندگی روزمره شان و در دفاع از مدنیت در برابر توحش نیروهای اردوی سناریوی سپاه دیده اند و تجربه کرده اند. حزب رهبر و سازنده این حرکت است. و تنها با ایفای این نقش میتواند بعنوان دولت و اداره کننده امور مردم در سطح محلی و منطقه‌ای ظاهر شود.

۴- مردم سازمانیافته

تضمین قدرت اجتماعی حزب

فقدان دولت در سناریوی سپاه ایفای این نقش را نه تنها ضروری و مطلوب بلکه امکان پذیر میکنند. غیاب دولت عملاً یک فضای باز سیاسی و امکان ظهور اجتماعی حزب در جامعه را ایجاد کرده است که در شرایط اختناق متعارف در این نوع کشورها حتی قابل تصور نبود. تشکل اتحادیه بیکاران و سازمان آزادی زن در سطحی که رفقای ما در عراق سازمان داده اند تنها نمونه کوچکی از امکانات وسیعی است که در برابر ما گشوده شده است. مساله راه حل را نیز با خود مطرح میکنند. باید از این آزادی عمل دو فاکتو سود جست و در یک سطح وسیع اجتماعی به گردآوری قوا پرداخت. این آزادی عمل دیری نخواهد پائید. گسترش

و مصیبت بار اجتماعی است که در عراق بوجود آورده است. نقد رادیکال آمریکا از کانال نقش و مسئولیت اصلی آن در گسستن شیرازه جامعه و مدنیت و ایجاد سناریوی سپاه در عراق میگردد. مساله حاکمیت تنها با اخراج نیروهای آمریکا از عراق میتواند به نفع مردم حل شود و این تنها بقدرت خود مردم و در دفاع از مدنیت و زندگی و جامعه انسانی ممکن است. مقابله اسلامی ناسیونالیستی با آمریکا بر عکس جامعه را بیشتر در قعر توحش و سیاهی فرو میبرد. از نقطه نظر مردم و کمونیست‌ها مبارزه با آمریکا از یکسو و اسلام سیاسی و ناسیونالیسم عرب از سوی دیگر مبارزه‌ای در دو جبهه نیست، بلکه مبارزه واحدی است در مقابله با سناریوی سپاه و در دفاع از مدنیت و جامعه انسانی. مساله دولت و حاکمیت حلقه ایست که مبارزه علیه آمریکا و علیه نیروهای ارتجاعی مخالفش را به هم پیوند میدهد.

۳- حزب بعنوان

اداره کننده جامعه

خواست و نیاز عاجل مردم عراق بقا و سامان دادن زندگی است. نان و کار و مسکن و امنیت است. یک جامعه متعارف مدنی است، و وظیفه ما آنست که عملاً نشان بدهیم این زندگی مدنی را تنها ما میتوانیم مستقر کنیم. در جامعه‌ای که دولتی در کار نیست نمیتوان اپوزیسیون بود. ما اپوزیسیون یک قدرت حاکم بر جامعه نیستیم، بلکه در مقابل ما احزاب و جنبشهای کمپ سناریوی سپاه از نیروهای آمریکا تا نیروهای مذهبی و قومی-عشیرتی و ناسیونالیست راسیستی بومی قرار دارند. این نیروها خود در ایجاد این هرج و مرج و از هم گسیختگی جامعه و تداوم وضعیت سناریوی سپاه نقش داشته اند و ما با پرچم مدنیت و زندگی انسانی در برابر همه آنها قرار داریم. ما باید سازمانده و پاسدار زندگی انسانی در برابر این نیروها باشیم. باید زندگی مردم را با اتکا بقدرت خودشان سامان بدهیم و پاسداری کنیم. این اساس و پایه قدرت حزب است. مردمی که زندگی و بقای اجتماعیشان، نان و کار و امنیت و حداقل آسایششان نفی شده و نفس زندگی و بقای اجتماعیشان در خطر است، به دور حزب و نیروی جمع میشوند که

اتکا بقدرت مردم و سازماندهی مردم در صفوف حزب و در سازمانهای توده‌ای است. ما کمونیست‌ها در هیچ شرایطی، انقلاب و یا سناریوی سپاه و یا یک جامعه آرام و متعارف، جز مردم منبع قدرت و نقطه اتکای دیگری نداریم. احزاب بورژوازی و جنبشهای طبقاتی دیگر، و در شرایط امروز عراق جنبشهای ارتجاعی مذهبی - قومی و رهبران و سران مذاهب و اقوام و عشایر که یکبه یک از میدان سیاست شده اند، قدرت خود را از منابع مالی و سیاسی بورژوازی جهانی و خرافات و تعصبات مذهبی و راسیستی و ناسیونالیستی حاکم بر جامعه میگیرند. قدرت و توان مالی و نظامی و سیاسی بورژوازی جهانی و توهمات و خرافات کهن حاکم بر جوامع طبقاتی پشتوانه و منبع قدرت آنهاست. اما برای طبقه کارگری که کل این بساط را میخواهد زیر رو کند، تنها راه اتکا به توده مردم از طریق توسل به خواستها و امیال و انگیزه‌های انسانی آنهاست.

۲- آمریکا محور نیروهای سناریوی سپاه

آمریکا موجب وضعیت امروز عراق و عامل اصلی تداوم آنست. آمریکا نه تنها با حمله نظامی به عراق جامعه را به قعر توحش فرستاده است، بلکه با حضور نظامی خود به تمام نیروهای قومی مذهبی و ارتجاعی، به تروریسم اسلامی و ناسیونالیسم عرب، به حزب الله و بقایای بعث، زمینه و توجیه ابراز وجود سیاسی داده است. این واقعیت بیانگر آنست که از یکسو نیروهای آمریکائی از آقای پل برمر گرفته تا سربازان آمریکائی، بعنوان محور نیروهای سناریوی سپاه در برابر مردم قرار میگیرند، و از سوی دیگر بعنوان بیگانه و خارجی و کافر و اشغالگر مورد تهاجم نیروهای اسلامی و قومی و بویژه بقایای بعث قرار دارند. از نقطه نظر مردم، آمریکا و نیروهای بومی متحدش نظیر ناسیونالیسم کرد و همچنین نیروهای ارتجاعی مخالفش نظیر اسلام سیاسی و ناسیونالیسم نوع بعثی، همه به یک کمپ واحد متعلق اند و همه باید کنار زده شوند. زمینه اجتماعی نقد آمریکا از نقطه نظر منافع مردم، وضعیت نابسامان

جامعه محتاج یک لایروبی عظیم ضد مذهبی و ضد اسلامی است

مصاحبه با علی جوادی

درباره بیانیه مذهب زدائی از جامعه، مصوب کنگره چهارم حزب



عدالتند. ضد برابری و حاکم شدن انسان بر سرنوشت و مقدرات خویشند.

جنبشهای سیاسی ای که مذهب را پرچم سیاسی هویت خود کرده اند، مانند اسلام سیاسی، بدنبال سهم خواهی از قدرتند. بعضا خواهان تجلید سازماندهی قدرت سیاسی برای سهم ببری بیشتر از قدرت جهانی سرمایه هستند.

هفتگی: زمانی که حکومت کردن شاه بزیر سوال رفته بود خیلی ها میگفتند "شاه سلطنت کند نه حکومت". امروز در وضعیتی که حکومت مذهبی زیر ضرب است مضمون مطالبه سکولاریسم از طرف برخی جریانات سیاسی شبیه آن شعار بصورت "خدا سلطنت کند و نه حکومت" است! آیا سکولاریسمی که حزب کمونیست کارگری از آن حرف میزند و در این بیانیه چهارچوب آن اشاره شده تفاوتی با سکولاریسم دیگران دارد؟

علی جوادی: امروز بخشهایی از اپوزیسیون بورژوازی بطور ناقص و دم بریده خواهان جدایی مذهب از دولت بمنظور مصون داشتن و حفظ مذهب هستند. موضع رضا پهلوی اینگونه است. برای نجات مذهب خواهان جدایی مذهب از دولت است، بی دلیل نیست که دست به دامن فلان آیت الله و حجت الاسلام میشوند. موضع "جمهوریخواهان" این چنین است. دخالت مذهب در دولت را بعضا مضر به حال خود دستگاه مذهب میدانند. کاسه داغ تر از آش اند. دایه دلسوز مذهب هستند. به نقش مذهب در به اسارت گرفتن مردم واقفند. از اینرو خواهان حفظ سلطه دین بر زندگی مردم میباشند. "خدا سلطنت کند و نه حکومت" بیان جالبی برای این موضع اپوزیسیون بورژوازی و راست ایران است. واقعیت این است که اپوزیسیون بورژوازی ایران اساسا فاقد یک دستور کار و نقشه عمل دارند. ضد ترقی و آرمانخواهی و

کشنده و مضر و مخل در زندگی جامعه و انسان است. از سرطان کشنده تر است. از ایدز نابود کننده تر است. صدماتی که صنعت مذهب به زندگی و جامعه وارد کرده است صد برابر و هزار برابر کشنده تر از "صنعت دخانیات" است. در آمریکا در بعضی شهرها تابلوهایی وجود دارند که هر لحظه تعداد کشته شدگان در اثر مصرف سیگار و دخانیات را نشان میدهد. ارقام هشت رقمی است. چند ده میلیون نفر است. این تعداد را ده برابر کنید. صد برابر کنید، تازه به نقش کشنده صنعت مذهب در زندگی انسان نزدیک میشوید. این صنعت مخرب باید تحت کنترل و مورد حسابرسی جامعه قرار گیرد.

این "صنعت" و ماشین کشتار تاریخا، به غیر از استثنائاتی، یا در قدرت بوده است یا در کنار قدرت سیاسی. در هر دو حالت بخشی از دستگاه حاکم برای کشتار و به بند کشیدن انسانها و اکثریت عظیم جامعه بوده است. در دورانیهای کوتاهی مردم قادر شدند این هیولا را به بند بکشند. اما اکنون بر روی زمین در گشت و گذار است. میکشد و مرعوب و نابود میکند. امروزه در کنار طبقه حاکم ابزاری برای حاکمیت و در مواردی رقیب قدرت حاکم است. دستگاه حاکم اما در هر حال نگهدار و حافظش است. از منابع و امکانات مادی جامعه مانند زالو تغذیه میکند و خون مردم را در شیشه میکشد. ابزار دست طبقه حاکم برای سلطه و بقای حاکمیت استثمار در جامعه است. اهرمی برای تحمیق و پایین آوردن توقع مردم در زندگی روزمره است. ابزاری برای تحمیل ارتجاع و مناسبات نابرابر و تبعیض آمیز و ضد انسانی در جامعه است. فرمان قتل و فتوا صادر میکند بدون اینکه به محاکمه کشیده شود. تحریک میکند، افترا میزند، بدون اینکه مورد مواخذه قرار گیرد. قدرت حاکمه همواره در ائتلاف "مقدس" با این جریانات و دستگاه مافیایی بسر برده است. امروزه اهداف مشترکی دارند. ضد ترقی و آرمانخواهی و

مقابل این بیانیه تمامی مرتجعین مذهبی و نمایندگان خدا در زمین بر خود بلزند. بگذار در مقابل این پرچم تمامی کسانی که مذهب عصای دستشان است به فغان در آیند. ما با این بیانیه هویت یک رنسانس عظیم اجتماعی، یک انقلاب عظیم ضد مذهبی در قرن بیست و یکم را اعلام کرده ایم. این پرچم کسانی است که خدا و نمایندگان زمینی اش را به محاکمه کشیده اند. نسل جوان پشتوانه انسانی عظیم این حرکت است. ما اعلام میکنیم که جامعه آزاد فردا بخشی از انرژی و منابع خود را صرف مذهب زدایی از جامعه خواهد کرد. ما مردم را به گرد آمدن حول این پرچم برای مبارزه با مذهب در جامعه فرامیخوانیم.

هفتگی: یکی از بندهای بیانیه به "صنعت مذهب" اختصاص دارد. منظور از صنعت مذهب چیست؟ ارتباط صنعت مذهب با حضور مذهب در سیاست چگونه است، آیا دولتها منفعتی در سرپا ماندن صنعت مذهب دارند؟

علی جوادی: دستگاه مذاهب انجمنهای داوطلبانه افراد معتقد به باورهای مذهبی نیستند. بر عکس ماشین عظیم و بنگاههای مالی و تبلیغاتی سازمانیافته مردم ستیزی و آزار و اذیت مردم هستند. سالانه صدها هزار نفر را در گوشه و کنار جهان میکشند و نابود میکنند. میلیونها نفر را شکنجه میکنند و در زنجیر خرافات و بی حقوقی به بند میکشند. دستگاه مذهب سازمانی مافیایی است. یک شبکه سازمانیافته ترور و شکنجه و ارباب و زن ستیزی و کودک آزاری است. مذهب به این اعتبار یک "صنعت" است. تولیدش جهل و خرافه است و آدمکش حرفه ای که کتاب آسمانی و شلاق بدست دارد را به خدمت میگیرد. این آدمکشان و جلادان حرفه ای را هر روزه تولید میکند و پرورش میدهد. جیره و مواجشان را میدهد. ماتریال خام و اولیه اش انسانهای دردمند و بیگناه هستند. صنعت مذهب یک صنعت

بیانیه مذهب زدایی مجموعه اقدامات و سیاستهایی را که از نظر ما دولت بمنظور حفظ جامعه و مردم از گزند دستگاه مافیایی مذهب باید در دستور خود قرار دهد به روشنی و در یک سند جمع آوری و تدوین کرده است. این بیانیه اعلام تعهد همه جانبه حزب کمونیست کارگری برای جارو کردن مذهب در تمامی شئون جامعه است. اساس مطالبات مندرج در این سند مفادی از مطالبات مندرج در برنامه ما، یک دنیای بهتر، است. غیر از دو مورد: یکی ممنوعیت مساله ابراز وجود مذهبی فرد در نظام اداری و سیاسی جامعه است و دیگری ممنوعیت حجاب برای کودکان و نوجوانان. این بیانیه رئوس مطالبات ما برای کوتاه کردن دست مذهب از دولت و نظام اداری و بوروکراسی حاکم بر جامعه را روشن میکند. قوانین و سنتهای مذهبی که نابرابری و بی حقوقی زن در جامعه را بازتولید میکنند مورد تهاجم قرار میدهد. دست مذهب در تعرض و تهاجم به کودکان را قطع میکند. کودکان را از تعرض مافیای مذهب مصون نگه میدارد. مذهب را از مناسبات فردی و آزادهای جنسی آحاد جامعه بیرون میکشد و راه را برای ایجاد مناسباتی آزاد و برابر مدرن افراد باز میکند. تقویم رسمی و تعطیلات جامعه را از مذهب پاک میکند. و بالاخره شرایط یک مبارزه همه جانبه بر علیه "صنعت مذهب" را تعریف و روشن میکند.

ما یک نیروی ضد مذهبی هستیم. ضدیت آشکار با مذهب و اسلام بخشی از هویت سیاسی و اجتماعی ماست. ما خواهان یک مبارزه همه جانبه و آگاهانه و پیگیر علیه اسلام و مذهب و عقب ماندگی مذهبی هستیم. این بیانیه اعلان فشرده مبارزه ما با مذهب در جامعه است. اعلان این واقعیت است که برای دستیابی به یک جامعه آزاد و انسانی باید مذهب را از زندگی اجتماعی مردم و از هر سوراخ و سنبه ای که در آن رخنه کرده است بیرون کرد. بگذار در

هفتگی: با توجه به اینکه حزب کمونیست کارگری معتقد به این است که جامعه ایران یک جامعه اسلامی نیست و یک جنبش عظیم ضد اسلامی در جامعه در جریان است، ضرورت انتشار بیانیه مذهب زدائی از جامعه چیست و این بیانیه قرار است چه کاری بکند؟

علی جوادی: این بیانیه به همین دلایلی که برشمردید لازم و ضروری است. جامعه ایران یک جامعه اسلامی نیست. اسلام یک پدیده ارتجاعی و تحمیلی بر جامعه است. اسلام سیاسی یک ماشین کشتار و آدمکشی دسته جمعی است. با کشتن و قتل عام و سنگسار و شکنجه و زندان تاکنون سر کار مانده است. نتیجتا برای جارو کردن اسلام از تمامی شئون جامعه باید چنین پرچمی را بلند کرد. جامعه ایران باید گند مذهب را برای همیشه از سر این مردم پاک کند. جامعه محتاج یک لایروبی عظیم ضد مذهبی و ضد اسلامی است. اما حتی اگر جامعه ایران یک جامعه اسلامی بود، حتی اگر اسلام بخشی از سوخت و ساز "طبیعی" جامعه و زندگی "عادی" و باورهای ارتجاعی مردم بود، در آنزمان ضرورت چنین پروژه ای ده چندان میشد. در آنصورت کار ما کمی مشکل تر میشد. باید انرژی بیشتری صرف چنین پروژه ای میکردیم. از طرف دیگر در جامعه یک جنبش عظیم ضد مذهبی در جریان است. از اینرو باید این جنبش را خودآگاه و مجهز به پرچم معین و روشنی کرد. اکثریت عظیم مردم ضد دین و مذهب و جهل و خرافه هستند. از خدا و دین و اسلام بیزارند. از روابط و سنن اخلاقی و فرهنگی اسلامی منزجرند. خواهان خلاصی و رهایی از شر اسلام هستند. این جنبش عظیم و همگانی است. ضدیت با مذهب یک داده عظیم جامعه است. این جنبش از یک پشتوانه عظیم انسانی در جامعه برخوردار است. این بیانیه پرچم جنبشی عظیم علیه خدا و اسلام و برای کوتاه کردن دست مذهب از زندگی مردم است.

همصدا با ما به کشتار کارگران ذوب مس کرمان اعتراض کنید!

بلژیک: برگزاری تظاهرات اعتراضی در مقابل سفارت رژیم اسلامی در شهر بروکسل روز دوشنبه ۲ فوریه ساعت ۱۱ صبح، محل تظاهرات Bruxelles Avenuetrevaern 415 Metro Montgnory

سوئیس: تظاهرات اعتراضی در مقابل ساختمان ای ال او ILO در شهر ژنو روز پنجشنبه ۵ فوریه انگلیس: برگزاری مراسم گرامیداشت یاد جانبختگان کارگر در شهر لندن روز شنبه اول فوریه نوژ: برگزاری پیکت اعتراضی در مقابل ساختمان ال او LO بزرگترین اتحادیه کارگری نوژ، در شهر اسلو

فنلاند: میتینگ اعتراضی در مرکز شهر هلسینکی در روز شنبه اول فوریه ساعت ۲ بعد از ظهر

کانادا: تورتو پیکت اعتراضی جمعه ۳۰ ژانویه ساعت ۵ بعد از ظهر مکان تقاطع دانداس و یانک مقابل ایتن سنتر

لطفا برای کسب اطلاعات بیشتر، با شماره تلفن مینا احدی تماس بگیرید:
۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳

**تشکیلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران**
۷ بهمن ۱۳۸۲ - ۲۷ ژانویه ۲۰۰۴

حکومت توحش اسلامی سرمایه داران اعتراض کارگران ذوب مس کرمان به بیکاری و بی حقوقی را با گلوله پاسخ داد. حداقل چهار تن از کارگران کشته و دهها تن زخمی شدند. این جنایت را کارگران و مردم بی پاسخ نمیگذارند. جمهوری اسلامی باید تاوان این جنایت را بپردازد. قاتلان کارگران باید فوراً معرفی و در دادگاههای علنی محاکمه شوند. حکومت نظامی در شهر بابلک و خاتون آباد باید فوراً برچیده شود. دستگیر شدگان روزهای اخیر باید فوراً آزاد شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران، همه کارگران و مردم را به اعتراض به جنایت جمهوری اسلامی در خاتون آباد و گرامیداشت یاد کارگران جانبخته فرا میخواند. به تظاهراتها و پیکتهای اعتراضی در کشورهای مختلف به حمایت از کارگران ذوب مس کرمان بیونید.

سوئد: تظاهرات اعتراضی در مقابل سفارت رژیم اسلامی در شهر استکهلم روز جمعه ۳۰ ژانویه ساعت ۲ بعد از ظهر

آلمان: تظاهرات اعتراضی در مقابل ساختمان روزنامه واتس WATZ در شهر دورتموند در روز جمعه ۳۰ ژانویه، برگزاری مراسم گرامیداشت یاد کارگران جانبخته در شهر کلن در روز جمعه، ۶ فوریه ساعت ۶ بعد از ظهر

اعتصاب معلمان شیراز ۱۸۸ مدرسه را به تعطیل کشاند

تجمع و اعتراض به وضعیت بد حقوقی خود و شرایط نامناسب کار زده اند و خواهان افزایش حقوق ها، رفع تبعیض، بیمه درمانی، تسهیلات مسکن و خواستههای دیگر هستند و نسبت به فضای خفقان و تفتیش و کنترل دولتی در مدارس اعتراض دارند. دست اندرکاران جمهوری اسلامی با وعده و وعید بهمراه تهدید و ارباب، تاکنون هیچکدام از خواستههای معلمان را عملی نکرده اند. خواستههای معلمان خواستههای همه مردم ایران است و باید با حمایت فعالانه از مبارزات معلمان به هر شکل ممکن جنبش اعتراضی معلمان علیه مقامات جمهوری اسلامی را تقویت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران
۶ بهمن ماه ۱۳۸۲ - ۲۶ ژانویه ۲۰۰۴

معلمان شیراز از روز ۴ بهمن ماه تا امروز ششم بهمن ماه دست به اعتصاب زدند و این اعتصاب باعث شد که اغلب مدارس شیراز تعطیل گردد. بنا به گزارش "بازتاب" بر اثر این اعتصاب ۱۸۸ مدرسه در شیراز تعطیل شد. معلمان طی اطلاعیههایی از دانش آموزان خواسته بودند که آنها نیز از اعتصاب و خواستههای معلمان پشتیبانی کنند و در روزهای اعتصاب به مدرسه نروند. دانش آموزان شیراز وسیعاً از اعتصاب معلمان حمایت کردند و بنا به این گزارش در اثر تظاهرات و

حقوق و استقلال و اراده زن در جامعه بمثابه شهروندان متساوی الحقوق نیست. بیانیه مذهب زدایی شرایط عمومی و لازم برای دستیابی به آزادی و برابری زن و مرد در جوامع مذهب زده روشن میکند.

هفتگی: چه عوامل مهمی در فاصله یک "نظام سکولار" با آنچه بیانیه بعنوان مذهب زدایی از جامعه مد نظر دارد مورد توجه است؟

علی جوادی: سکولاریسم یک مجموعه شرایط حداقل برای کوتاه کردن دست مذهب از دولت و آموزش و پرورش و دستگاه قضایی و در تعریف هویت فرد در جامعه است. سکولاریسم بیان تمام موضع ما در مقابل مذهب در جامعه نیست. آغاز و پایان مبارزه ما علیه مذهب نیست. ما فقط خواهان سکولاریسم نیستیم. بلکه خواهان مبارزه ای آشکار و آگاهانه و همه جانبه علیه دستگاه مذهب هستیم. ما از مبارزه ای همه جانبه برای قطع دست مذهب از تمامی شئون جامعه صحبت میکنیم. مذهب

زدایی چنین پروژه ای است. ما معتقدیم که جامعه باید امکانات ویژه و معینی را برای مذهب زدایی از جامعه اختصاص دهد. جامعه باید محدودیتهای بسیار فزاینده علاوه بر قطع دست مذهب از دولت، یعنی سکولاریسم، بر دستگاه مذهب در تمامی ابعاد زندگی جامعه اعمال کند. اگر مبارزه با ایدز و "ایدز زدایی" در قاره آفریقا شرط بقای جامعه و انسانهاست، "مذهب زدایی" نیز شرط بقای یک جامعه سالم و آزاد است. اگر ویروس ایدز با تبدیل اکثریت سلولهای انسان به سلول مبتلا به ایدز خود و فرد حامل ایدز را نابود میکند، ویروس کشنده مذهب با تبدیل حامل خود به مذهب یک سلاح کشتار بوجود می آورد. مذهب حتی به عنوان امر خصوصی و شخصی هم سد راه شکوفایی و رشد انسانهاست. ما در عین اعتقاد کامل به آزادی بی قید و شرط عقیده و بیان خواهان مبارزه ای آشکار و همگانی علیه مذهب و دستگاه مذهب هستیم. *

مذهب نیست. ما فقط خواهان سکولاریسم نیستیم. بلکه خواهان مبارزه ای آشکار و آگاهانه و همه جانبه علیه دستگاه مذهب هستیم. ما از مبارزه ای همه جانبه برای قطع دست مذهب از تمامی شئون جامعه صحبت میکنیم. مذهب زدایی چنین پروژه ای است. ما معتقدیم که جامعه باید امکانات ویژه و معینی را برای مذهب زدایی از جامعه اختصاص دهد. جامعه باید محدودیتهای بسیار فزاینده علاوه بر قطع دست مذهب از دولت، یعنی سکولاریسم، بر دستگاه مذهب در تمامی ابعاد زندگی جامعه اعمال کند. اگر مبارزه با ایدز و "ایدز زدایی" در قاره آفریقا شرط بقای جامعه و انسانهاست، "مذهب زدایی" نیز شرط بقای یک جامعه سالم و آزاد است. اگر ویروس ایدز با تبدیل اکثریت سلولهای انسان به سلول مبتلا به ایدز خود و فرد حامل ایدز را نابود میکند، ویروس کشنده مذهب با تبدیل حامل خود به مذهب یک سلاح کشتار بوجود می آورد. مذهب حتی به عنوان امر خصوصی و شخصی هم سد راه شکوفایی و رشد انسانهاست. ما در عین اعتقاد کامل به آزادی بی قید و شرط عقیده و بیان خواهان مبارزه ای آشکار و همگانی علیه مذهب و دستگاه مذهب هستیم. *

سکولاریستی پیگیر در جامعه است. در شرایطی که مردم مقدسات مذهبی را زیر پای خود در اعتراضاتشان له میکنند، در تلاش برای بقاء مذهب خواهان عقب نشینی حاکمیت مذهبی هستند.

سکولاریسمی که حزب کمونیست کارگری خواهان آن است بنظر من یک سکولاریسم پیگیر است. برقراری یک نظام سکولار امروزه دیگر امر جنبش کمونیسم کارگری است. حتی برای استقرار یک نظام سکولار پیگیر مردم باید به دور اردوی نیرویی گرد آیند که خواهان یک مبارزه همه جانبه علیه سلطه مذهب و حاکمیت مذهبی است.

هفتگی: با توجه به ۷ بند بیانیه در بخش "یک نظام سکولار" چه شرایطی ممکن است وجود داشته باشد که رفع تبعیض از زنان و مصونیت کودکان را زیر سوال ببرد که بخش هایی از بیانیه به آن اختصاص یافته اند؟

علی جوادی: بندهای بیانیه در بخش "یک نظام سکولار" مختصات سیستم و نظام حاکم بر جامعه را تعریف میکنند. این بندها بطور مشخص چیزی در مبارزه علیه کودک آزاری و تجاوز مذهب به کودکان یا رفع تبعیض مذهبی از زنان نمیگویند. در بسیاری از جوامع سکولار حتی جوامعی مانند فرانسه دست مذهب برای تعرض به کودکان باز است. مدارس مذهبی آزادند. دستگاه مذهب قربانیان خود را از میان کودکان "انتخاب" میکند تا پایه های خود را گسترش دهد. مانند کفتر به جان کودکان می افتند و جامعه هیچگونه حمایتی از این انسانهای معصوم نمیکند. بیانیه مذهب زدایی جامعه را به حفاظت از کودکان در مقابل تجاوز مذهب فرامیخواند. در رابطه با مساله رفع تبعیض از زنان هم مساله به همین گونه است. سکولاریسم پرچم مبارزه علیه رفع تبعیض همه جانبه از زنان و تحقق برابری کامل نیست. جنبشی برای از میان برداشتن سنن و اخلاقیات کهنه و ارتجاعی و بمنظور کسب

رادیو انترناسیونال
۴۱ متر ردیف ۷۴۹۰ کیلوهرتز
هر شب ساعت ۹ به وقت تهران

از صفحه ۱ کشتار خاتون آباد:

انعکاسی از استیصال حکومت اسلامی

بردن را. اینرا خودشان باشکال مختلف میگویند اما از این بن بست نمیتوانند خارج شوند. بهمین دلیل عقب انداختن مرگشان مهمترین مشغله آنهاست. هر روز از سر استیصال دست به ارباب میزنند اما روز بعد تعرض و اعتراض مردم و کارساز نبودن ارباب را میبینند. چاره دیگری هم جز همین ارباب، جز باصطلاح زهر چشم گرفتن برای "عبرت دیگران" و جز سنگین تر کردن پرونده سراپا جنایتشان در اختیار ندارند. و در این میان وحشت از گسترش اعتراضات کارگری چرتشان را پاره کرده است. برای جلوگیری از تعرض کارگران و برای عقب راندنشان هم میزنندشان، هم به سرشان قسم میخورند، هم "خطر" آنها را جناحهای رژیم به همدیگر گوشزد میکنند. اما در مورد کارگران کار رژیم به جای واقعا خطرناکی رسیده است. ۲۵ سال سرکوب و اعدام و زندانی کردن کارگران کمونیست و رهبران مبارزات این طبقه، ۲۵ سال تحمیل ضد انسانی ترین شرایط کار، تحمیل شدیدترین فلاکت اقتصادی به کارگران و خانواده هایشان، دیگر برای کارگران غیر قابل تحمل شده است. کلفت تر شدن گردن گله آیت الله ها و سرمایه داران اسلامی به قیمت بی نانی و بی تامینی و بی مسکنی کارگران آنها در شرایط و اوضاع سیاسی ایران که از چهار گوشه مردم بلند شده اند نمیتواند ادامه یابد. نمیشود هم کارگر را بدون مزد و بدون داشتن لقمه ای غذا برای بچه هایش بخانه فرستاد و بعد ساکت هم باشد. نمیشود دولت باشی و کارگر را بیکار کنی و بیمه بیکاری هم به او ندهی و خود ثروت های نجومی صاحب شده از دسترنج کارگران را در بانکهها و

درگیر شدند، از بقیه مردم ایران و سازمانهای مترقی خواستند که از آنها حمایت کنند و این يك فاکتور جدید و مهم است. و علاوه بر این، مساله بسیار مهمتر حمایت دیگر کارگران از کارگران خاتون آباد است. کارگران ایران خودرو رژیم را با لحنی شدید محکوم کردند و از مبارزه کارگران ذوب مس حمایت و پشتیبانی کردند. زنده باد این همبستگی طبقاتی! این اقدام ارزنده کارگران ایران خودرو الگو شد. کارگران سنگ آهن بافق و همچنین کارگران خباز سقز نیز کشتار رژیم را محکوم کردند. بخش هایی دیگر از طبقه کارگر به رژیم گفتند که نه تنها ما ارباب نمیشویم بلکه از رفقای کارگرمان دفاع میکنیم و "حمله وحشیانه" شما "حامی سرمایه داران" را محکوم میکنیم. این حرکت امیدبخش قطعا ادامه خواهد یافت و گسترش مییابد. جواب کارگران، چه در خود خاتون آباد و شهر بابک و چه در ایران خودرو و سنگ آهن بافق و خبازان سقز، آینده را ترسیم میکند. دور جدیدی از مبارزه طبقه کارگر علیه رژیم اسلامی دارد شروع میشود. تشکیلات خارج حزب کمونیست کارگری نیز در دیگر کشورها اعتراض و تظاهرات سازماندهی کرده است و سازمانهای کارگری و مترقی را به حمایت از کارگران و محکوم کردن رژیم و تحت فشار قرار دادنش را فراخوان داده است و نیرویش را برای آن بسیج کرده است و مانند موارد قبلی حکومت اسلامی را تحت منگنه این سازمانهای کارگری قرار میدهد.

زمان تعیین تکلیف است!

رژیم اسلامی دیگر نمیتواند واضح تر از ماجرای خاتون آباد با کارگران صحبت کند: یا گلوله یا به فقر و بیکاری اعتراض نکن! طبقه کارگر هم چاره ای ندارد جز اینکه واضح بگوید جمهوری اسلامی باید سرنگون شود. به يك نکته باید مجددا تاکید کرد. حرکت رژیم در

خاتون آباد نه نشانه قدرتش است و نه نمایش توان سرکوب. اتفاقا خود اظهارات رژیم در همین مورد اینترا داد میزند. برخی از مقامات آن بنوعی گفتند که کار رژیم نیست و قرار است آنرا "بررسی کنند"! این بسادگی نشان میدهد که رژیم از بعده گرفتن مستقیم این جنایت شدت وحشت دارد. بخيالشان با کارگران بازی میکنند. از طرفی نیروی ویژه را با هلیکوپتر اعزام میکنند و از طرف دیگر میروند بررسی کنند و شاید هم یکی را بعنوان "بی مسئولیتی و بی توجهی" به "خواست کارگران عزیز" به جای دیگری منتقل کنند و البته مقام بهتری هم بوی بدهند.

مقابل رژیم باید سنگرها را محکم کرد. رژیم را با مبارزه ای متحد و سراسری و با اعتصابات وسیع کارگری باید بزیر کشید. مقاومت و عقب نشستن مردم شهر بابک و همبستگی کارگران ایران خودرو و سنگ آهن و خبازان قطعا دلگرم کننده است. اما رژیم اسلامی را باید با حرکت متشکل و متحد سراسری عقب راند و در نهایت بزیر کشید. برای اینکه حکومت هوس تکرار فاجعه خاتون آباد به سرش نزند، لازم است که کارگران تعرض کنند. بدون تعرض و محدود شدن به دفاع در مقابل یورش رژیم، نمیشود نه مشکل امروز و خواسته های جاری کارگران را حل کرد و نه میتوان جلو تهاجم حکومت را به حقوق کارگران گرفت. بدون اتحاد وسیع کارگران بدون مبارزه ای متشکل قدرت طبقه کارگر نمیتواند اعمال شود و نمیشود تعرض را سازمان داد. از اینرو مهمترین کار و وظیفه کارگران کمونیست و رهبران کارگری جواب دادن فوری به امر تشکیلیاتی کارگران و متحد کردن توده وسیع کارگر است. در مورد همین اتفاق اخیر لازم است در ابعاد وسیعی کارگران و بویژه در بخش های اساسی و کلیدی اعتراض سازماندهی شود. زمینه آن فراهم است. رفقایمان را بدلیل

اعتراض به بیکاری به گلوله بسته اند، باید اعتصابات کارگری علیه این جنایت و در دفاع از هم سرنوشتان خود راه بیندازیم. باید مانند ایران خودرو از سراسر کارخانه های ایران نامه های اعتراضی سرازیر شود. لازم است یورش به کارگران خاتون آباد به بحث مجامع عمومی کارگری تبدیل شود و رژیم را بازخواست کرد. رژیم نمیتواند به کسی بگوید به شما مربوط نیست هر کسی را بخوام میکشم. در سطح جامعه هم نفرت عمومی از رژیم فوران میکند. بخصوص پس از زلزله بم و جنایتی که رژیم در حق مردم بم مرتکب شد فضای سیاسی جامعه با شدت هر چه بیشتری علیه جمهوری اسلامی است و مردم آماده همبستگی با کارگران و حمایت از مبارزات آنان هستند. از این وضعیت باید استفاده کرد، زمان تعیین تکلیف با ایران رژیم نزدیک شده است. در همین یکماه گذشته، ماجراهای بم و خاتون آباد و شهر بابک چند قدم دیگر رژیم را به سرایش سقوط نزدیک کرده اند. و مبارزه طبقه کارگر علیه رژیم اسلامی دارد وارد فاز جدیدی میشود. کسب آمادگی برای ورود به این فاز مستلزم متشکل شدن کارگران و ایجاد اتحاد وسیع طبقاتی است. جنبش انقلابی برای سرنگونی حکومت اسلامی قویتر از هر زمانی است و رژیم ضعیف تر و مستاصلتر از قبل. ادامه هر روز حیات این رژیم معادل نابودی انسانهای بیشتری است، نباید اجازه داد. کارگران کمونیست و رهبران عملی مبارزات طبقه کارگر باید برای متشکل کردن کارگران، باید پا پیش تر بگذارند، و بعنوان سخنگوی اعتراض طبقه کارگر، با اتکا به قدرت مجامع عمومی کارگری و قدرت جمعی کارگران به جلو صحنه بیایند و جامعه را به حمایت از کارگران فراخوان دهند و بسیج کنند. سرنوشت رژیم اسلامی دارد به سرنوشت حکومت شاه نزدیک میشود. *

به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!